

**احسان احمدی**  
روزنامه نگار

#### گزارش

با توجه به تصویب قانون کار در سال ۱۳۶۹ و طبیعتاً تطبیق جزئیات مقررات مندرج در این قانون با شرایط روز حوزه کار و تولید و فعالیت‌های مرتبط با حوزه اشتغال و روابط کار، امروزه با وجود تغییر و تحولات اساسی در همه سطوح و زوایای بازار کار، اشتغال و چرخه تولید و خدمات، اصلاح قانون کار ضروری به نظر می‌رسد. حتماً از دیدگاه شرکای اجتماعی حوزه کار در قالب دولت و متولیان کار و تولید، کارفرمایان و صاحبان صنایع و همچنین جامعه کارگری یا نیروی کار شاغل، بخشی از قوانین و مقررات حوزه کار نیازمند تغییر است. البته زاویه دید هرکدام از شرکای اجتماعی این حوزه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارد.

تفاوت در دیدگاه‌های مرتبط با اصلاح قانون کار به الزامات و نیازهای قابل تشخیص شرکای سه‌جانبه بازار کار مرتبط است. به این واسطه اینکه چه بخشی از قانون یا چه موادی از قانون کار اصلاح شود نیز مطرح است. اما نکته اساسی محل بحث در حوزه اصلاح قانون کار به چگونگی انجام این مهم و اساس رعایت سه‌جانبه‌گرایی و دریافت و اعمال نظرات هریک از شرکای اجتماعی حوزه کار و تصمیم‌سازی براساس خرد جمعی فعالان کار و تولید برمی‌گردد. به‌عبارتی روش تشخیص مواد نیازمند اصلاح قانون کار، نحوه اعمال تغییرات قانون و حضور و تأثیرگذاری رویکرد و تفکرات همه شرکای اجتماعی دغدغه و اولویت آنان در اصلاح قانون کار محسوب می‌شود.

در این راستا، ناصر چمنی، فعال و کارشناس حوزه کار در گفت‌وگو با «آیه نو» ضمن تشریح آسیب‌شناسی چرایی عدم انجام اصلاحات مورد توقع جامعه کارگری در قانون کار، راهکارهای اساسی در این حوزه و بست‌های لازم برای ایجاد و اعمال تحول در حوزه قانون کار را مطرح کرده است.

ناصر چمنی در ارتباط با آسیبی که از سمت نگاه و رویکرد یک‌سویه به روند اصلاح قانون کار رسیده گفت: «دولت‌ها در دوره‌های مختلف به‌موضوع اصلاح قانون کار نگاه یک‌سویه داشته‌اند؛ به‌عبارتی مسئله اصلاح قانون کار در دوره‌های متفاوت، صرفاً از زاویه دید دولت‌ها و متولیان حوزه کار مطرح شده و مورد بررسی قرار گرفته است.» او افزود: «در واقع موضوع اصلاح قانون کار یا بازبینی، بررسی مجدد و اصلاح موادی از این قانون به جای اینکه با مشارکت، همراهی و تعامل شرکای اجتماعی حوزه کار و با حضور نمایندگان دولت، کارفرمایی و به‌ویژه کارگری برگزار شود، در چارچوب غیرسه‌جانبه پیگیری شده است.»

این فعال حوزه کار ادامه داد: «در مجموع اینکه نگاه



یک‌طرفه به حوزه اصلاح قانون کار و بی‌توجهی به اصل سه‌جانبه‌گرایی در راستای مشارکت ذی‌نفعان و فعالان حوزه کار در این ارتباط را می‌توان عامل اساسی در عدم تحقق اصلاح قانون کار دانست.»

#### اصلاح قوانین لازمه پیشرفت است

این کارشناس حوزه کار درباره دیدگاه جامعه کارگری به حوزه اصلاح قوانین و مقررات حوزه کار بیان کرد: «جامعه کارگری هیچ‌وقت و در هیچ کدام از دوره‌ها در دولت‌های گذشته با طرح مسئله اصلاح قانون کار و اقدام در این حوزه مخالفتی نداشته و حتی این مسئله همواره با موافقت نمایندگان جامعه کارگری دنبال شده است اما نکته اینجاست که این موضوع باید با حضور همه شرکای اجتماعی حوزه کار از جمله نمایندگان اقشار کارگری تحقق پیدا کند.»

او اضافه کرد: «جامعه کارگری، بازبینی و اصلاح قانون کار را لازمه پیشرفت می‌داند اما شرط تحقق آن دوری از اقدام یک‌طرفه و تمایل به سمت سه‌جانبه‌گرایی در فرایند اصلاح است.»

#### عدم اجرای کامل قانون کار

چمنی، عدم اجرای کامل مواد قانون کار از زمان تصویب قانون را از دیگر چالش‌های این حوزه برشمرد و گفت: «نکته دیگر در این ارتباط، اجرانشدن کامل قانون کار از زمان تصویب آن در سال ۱۳۶۹ است. به‌گونه‌ای که همواره در دوره‌های مختلف مواد و جزئیاتی از این مرجع قانونی مورد بی‌توجهی قرار گرفته است.» او یادآور شد: «برخی اوقات نیز به دنبال یک‌سری اقدامات صورت گرفته در حوزه‌های مرتبط با روابط کار نظیر تصویب و اجرای دادنامه ۱۷۹ دیوان عدالت اداری، اعتبار قانون کار و الزامات اجرایی آن با کاهش مواجه شد.»

## اصلاح قانون کار

## فرایندی که در بستر سه‌جانبه‌گرایی امکان‌پذیر است

این حوزه و موضوع اجرای سه‌جانبه‌گرایی در این حوزه است.»

او همچنین تأکید کرد: «برخی اوقات دولت‌ها و متولیان حوزه کار در دوره‌هایی با بررسی و بازبینی مجدد، تنظیم و تدوین برخی مواد قانون کار تلاش در ارائه این موارد به مجلس شورای اسلامی در چارچوب اصلاح قانون کار داشته‌اند که نمایندگان جامعه کارگری با سنجش موارد مطرح شده و تشخیص اینکه موضوعات مذکور به نفع جامعه کارگری نیست، در برابر آن ایستادگی کرده‌اند.» او افزود: «عمدتاً طرح مسئله اصلاح قانون کار در دوره‌های مختلف در اواخر سال و زمان مطرح شده موضوع بررسی و تعیین حداقل دستمزد سال آینده با تأکید بر ماده ۴۱ قانون کار صورت گرفته است. در واقع این مهم، نقطه ایجاد فشار در حوزه مذاکرات مزدی بوده است.»

#### تهدید بخش حمایتی قانون کار

چمنی با تأکید بر اینکه قانون کار یک مجموعه قوانین آمره و حمایتی از نیروی کار محسوب می‌شود، تأکید کرد: «البته با تصویب برخی قوانین، آیین‌نامه‌ها و دادنامه‌ها در سال‌های گذشته، قانون کار بخش حمایتی خود را از دست داده است. به این واسطه قانون مذکور در حال حاضر نیازمند اصلاح است.» او همچنین با بیان اینکه بازبینی و اصلاح قانون کار باید به دور از دیدگاه یک‌طرفه و سرمایه‌داری انجام شود، گفت: «همواره در حوزه بازبینی و اصلاح موادی از قانون کار، وزنه دیدگاه یک‌سویه سنگینی کرده است.»

#### سه‌جانبه‌گرایی شرط مذاکرات بازبینی مقررات

این کارشناس حوزه بازار کار و تولید ادامه داد: «در این وضعیت، جامعه کارگری حاضر به از دست دادن حداقل امتیازات باقی‌مانده در چارچوب قانون کار نیست و اصلاح این قانون را در قالب مشارکت در تصمیم‌سازی این حوزه می‌پذیرد. در این ارتباط پیشنهادات دولت، نمایندگان جامعه کارفرمایی و کارگری باید مطرح و مورد بررسی قرار گیرد و در ادامه با مشارکت و اتفاق نظر شرکای اجتماعی حوزه کار به تصویب برسد.»

او توضیح داد: «در واقع شرط برقراری مذاکرات اصلاحی حوزه قانون کار، حضور هر سه گروه نمایندگان شرکای اجتماعی حوزه کار است؛ در این وضعیت بستر اصلاح قانون کار فراهم می‌شود.» چمنی گفت: «ادامه روند سال‌ها و دوره‌های قبل در حوزه اصلاح قانون کار بدون مشارکت فعالانه نمایندگان کارگری در نهایت منجر به اصلاح قانون کار نمی‌شود و در واقع تغییر، محصول این وضعیت است. افراد، نمایندگان و مسئولانی که موضوع اصلاح قانون کار را مطرح می‌کنند، بهتر است که روند، فرایند و راهکار این مجموعه اصلاحات حوزه قانون کار را نیز مطرح کنند تا در صورت قانونی بودن روش پیشنهادی، با همراهی و تعامل همه گروه‌های ذی‌نفع حوزه کار، اقدامات مربوط به اصلاح موادی از قانون کار در اولویت قرار گیرد.»

و تولید افزایش می‌دهد. به اعتقاد کارشناسان حوزه کار و تولید، تعیین دستمزد بهینه براساس محاسبات دقیق سبب معیشت باعث رشد قدرت خرید جامعه کارگری و تضمین معیشت آن‌ها برای یک سال خواهد شد. به این واسطه شکاف موجود بین دهک‌های مختلف از نظر توان خرید و نابرابری‌های اقتصادی کاهش می‌یابد.

#### رویکرد کارفرمایان در افزایش دستمزد

از سوی دیگر جامعه کارفرمایی براین باور است که افزایش مزد سالانه خارج از توان اقتصادی حوزه تولید، باعث رشد هزینه‌های تولید شده و هزینه‌های بسیاری به آنان تحمیل می‌کند. در واقع این شریک اجتماعی حوزه کار و تولید خواهان افزایش منطقی مزد متناسب با وضعیت اقتصادی و خروجی بخش تولید است. بنا به گفته کارشناسان اقتصادی، تعیین دستمزد واقعی مطابق با سبب معیشت نمی‌تواند عامل کاهش تولید یا تعدیل نیروی کار باشد؛ به این شرط که دولت‌ها از فعالان حوزه کار در قالب کارفرمایان و نیروی کار حمایت لازم را داشته باشند.

در این وضعیت اما نکته‌ای که باید دولت به‌عنوان متولی حوزه کار، جامعه کارفرمایی در قالب سرمایه‌گذار و فعال بازار کار و تولید و کارگران در چارچوب نیروی اصلی تولیدگر بر آن توافق داشته باشند، تدوین راهکاری قانونی برای تعیین سبب معیشت و رشد دستمزد سالانه با اعمال کمترین میزان فشار به هریک از گروه‌های مذکور است.

## کارگری



atiyeno.ir

#### یادداشت



### اشتغال‌زایی کارگاه‌های خرد در گرو نقدینگی

#### مرتضی برکاتی

کارشناس حوزه کار و تولید

برخی کارشناسان مسائل عرصه کار و تولید، ایده راه‌اندازی بانک ویژه تولید را برای حمایت از این حوزه، به‌ویژه جهت باری رساندن به کارگاه‌های کوچک و متوسط با توان مالی کمتر از کلان کارگاه‌ها، دارند. به باور این گروه، چنین کاری در راستای تقویت تولید، حفظ پویایی چرخه کار، رشد اشتغال ناشی از فعالیت تولیدگران خرد و البته توسعه کسب‌وکار و رونق اقتصادی ضروری محسوب می‌شود.

در واقع یکی از اساسی‌ترین چالش‌های کارگاه‌های کوچک و متوسط در قالب نقدینگی و سرمایه‌د گردش با وجود حمایت‌های تسهیلاتی به‌ویژه در چارچوب فعالیت بانک مذکور و در مجموع نظام پولی و مالی کشور، حل می‌شود. این مجموعه تسهیلات بانکی با سود پایین، زمینه‌ای برای رونق کسب‌و کار بنگاه‌های خرد به‌شمار می‌رود. از ویژگی‌های ارزشمند بنگاه‌های کوچک و متوسط، می‌توان به مشارکت بالای آن‌ها در خلق اشتغال، درآمدزایی و رشد اقتصادی اشاره کرد. به همین دلیل دولت‌ها باید با حمایت از این مجموعه کارگاهی که حدود ۸۰ درصد حوزه تولید کشور را بر عهده دارند، نقش اثرگذار آنان را در توسعه اقتصادی ارتقا بخشد. در دهه‌های گذشته، حمایت از کارگاه‌ها و کارخانجات بزرگ تولیدی و هلدینگ‌های اقتصادی در اولویت دولت قرار داشت و این رویکرد زمینه قدرتمند شدن این بنگاه‌ها و کاهش توان اقتصادی و ناپایداری کارگاه‌های کوچک و متوسط را فراهم کرد. اکنون اما به واسطه سهم بالای کارگاه‌های خرد در تولید و اقتصاد، حمایت از آنان یک الزام برای بازار کار محسوب می‌شود. امروز ظرفیت کارگاه‌های کوچک و متوسط به واسطه ویژگی‌های خاص اقتصادی و تولیدی، بستر قابل توجهی برای اعمال و اجرایی کردن سیاست‌های حوزه اشتغال‌زایی به‌شمار می‌رود. دولت‌ها از این طریق امکان توسعه کسب‌وکار و رشد داده‌های اشتغال و همچنین کاهش نرخ بیکاری را دارند.

امروزه نقش صنایع کوچک و متوسط در ایجاد اشتغال مولد و پایدار، رونق تولید و خودکفایی اقتصادی بی‌بدیل است. صنایع کوچک و متوسط از طریق چهار کانال کارآفرینی، نوآوری و تغییر فناوری، پویایی صنعت و در نهایت ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش درآمد بر اقتصاد کشور تأثیر گذارند. به علاوه شدت یافتن رقابت جهانی، افزایش بی‌امینانی و تقاضای فزاینده برای محصولات متنوع باعث شده که اقبال به این صنایع بیشتر شود. با استناد به سهم بسیار بالای واحدهای کوچک و متوسط تولید از مجموع بازار کار و تولید، هرگونه برنامه‌ریزی برای توسعه صنعتی و اقتصادی، اشتغال‌زایی، توسعه صادرات غیرنفتی و نوآوری، بدون حمایت و پشتیبانی از صنایع کوچک و متوسط میسر نیست و در این راه باید از این ظرفیت بزرگ استفاده کرد. نکته اینجاست که در دهه اخیر بخش قابل توجهی از این واحدهای کوچک مولد، به دلایل گوناگون نظیر کسری نقدینگی، نداشتن سرمایه در گردش، نبود سرمایه‌گذاری جدید و حمایت کم دولت، تعطیل یا نیمه‌تعطیل شده‌اند. البته بر اساس آمارها، در سه سال گذشته حدود ۱۰ هزار مورد از این کارگاه‌ها با اقدامات تأثیرگذار احیاء شده و به چرخه تولید بازگشتند. این رویه در کنار تقویت نقدینگی این واحدهای مولد جهت جلوگیری از تعطیلی دوباره، موجب بازگشت نیروی کار به کارگاه و اشتغال مجدد و احتمالاً اشتغال‌زایی جدید می‌شود. برخی کارگاه‌های خرد به دلایل مختلف مانند نداشتن توان مالی و اقتصادی لازم یا عدم توانمندی در بازار برای ارائه و فروش محصولات تولیدی، در سال‌های نه‌چندان طولانی پس از آغاز به کار ناچار به تعطیلی می‌شوند. پرسش اینجاست که برای تداوم فعالیت آن‌ها چه باید کرد؟! ارائه مشاوره تخصصی نهادهای مرتبط با حوزه متولی اقتصاد، تولید، صنعت و خدمات به کارگاه‌های مذکور در انتخاب و حرکت در مسیر درست فعالیت اقتصادی مهم و مؤثر است. دولت برای مشاوره فنی و حمایت از این کارگاه‌ها باید نهادهای مشاوره‌ای و حمایتی تأسیس و پس از توانمندی کارگاه‌ها، خروجی این اقدام را مشاهده کند. کارگاه‌های کوچک و متوسط به‌عنوان موتورهای مولد اقتصاد، در ساماندهی نیروی کار فعال جامعه نقش کلیدی دارند. نهادهای حمایتی برای رشد اقتصاد و خلق اشتغال چاره‌ای جز حمایت از این مجموعه‌ها ندارند. تأمین مالی این بخش از جامعه مولد کشور نیز در جایگاه خود، مسئله‌ای بسیار مهم تلقی می‌شود. دولت‌ها باید بدانند که با توجه به نقش آفرینی این بخش از تولیدگران در اقتصاد و تولید، حمایت از آنان در واقع حمایت از پایداری اقتصادی، رونق تولید، رشد بهره‌وری، ماندگاری اشتغال موجود، توسعه کسب‌وکار و خلق فرصت‌های شغلی جدید است.